

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – دوم می ۲۰۱۱

دروغت بسوزه، "بارک بن اوباما"!!!

طنز اول اپریل ۲۰۱۱؟؟؟

وقتی امروز از خواب برخاستم و لب و روی آسمان را کشال یافتم، در دل گفتم دیگر باید زندانی خانه بمانم و تمام روز را در همین چار دیواری بگذرانم. راستی بعد از یک روز آفتابی اول می – روز بین المللی کارگر – اینک روزیست که گوئی از سر و روی آسمان غم میبارد و مرا چارمیخه محکوم خانه میسازد. گفتم راه دیگری نیماند مگر اینکه پیش روی کمپیوتر بنشینم و قلمک زده بروم. از قضای الهی که موضوع نوشته هم از غیب در رسید.

در دوران کودکی و صباوت و در زمانی که خون ما "اوگین" بود – یعنی در سنین شش و هفت و هشت و یا شاید هم نه و ده – و با کودکان همسن و سال بازی میکردیم، چنان که رسم بنی آدم و آدمیزادگان است، ما هم برای هر عمل عکس العمل زبانی نشان میدادیم. مثلاً وقتی کسی کار خوب میکرد، میگفتیم:

"شباباس" یا "ای والله"!!!

و اگر کاری خراب میکرد، مثلاً میگفتیم:

"ده قار خدا شوی"!!! یا "خدا بشرمانیت"!!! یا "نالت خدا به کار بد شیطان" و یا

همین قسم وقتی کودکی دروغ میگفت و ما میدانستیم که دروغ میگوید، میگفتیم:

"دروغت بسوزه"!!!

و اگر به یقین میدانستیم که دروغ میگوید، از روی ناز میگفتیم:

"دروغت بسوزه"!!!

وقتی امروز صبح پگاهی تلویزیونهای جهان به استناد اعلان و بیانیۀ "بن اوباما" - "قهرمان اتازونی" - خبر کشته شدن "بن لادن" را اعلان کردند، در حالی که زیر لب میخندیدیم و سر خود را شور میدادم - چون دلم گواهی میداد که جهانخواران باز مردم جهان را با دروغ شاخدار دیگری میغولانند - فکر کردم که همه مردم جهان در دوران طفولیت بسر میبرند و خون همه اوگین است که ازین میانه و از میان میلیونها و میلیاردها مردم "کودک شده" روی زمین، "گُل بچه" ای بنام "مبارک" - "بن اوباما" سر بلند میکند و خبر مرگ "بن لادن" را اعلان میکند. خبر از گپهای بسیار حکایت دارد، از جمله:

از شهرک "هیبت آباد" که در فاصله هفتاد کیلومتری "اسلام آباد" قرار دارد. در گوشۀ خاص این قصبه؛ یعنی در بیشۀ ثروتمندان و بیشۀ صاحبمنصبان عالی رتبه متقاعد و خصوصاً بیشۀ منسوبان استخبارات نظامی پاکستان، قلعه ای با دیوارهای چار تا پنج متر بلند و مجهز با سیم خاردار و جدا از جهان واقع شده است. این قلعه بدون پنجره و کلکین، منزوی از ارتباط با جهان خارج تعبیه گردیده است؛ نه ارتباط تلفونی دارد و نه ارتباط اینترنت. قلعه از خود حتی دستگاه حریق ساختن زباله هم دارد، تا ازین درک هم با خارج ارتباطی نداشته باشد. گوئی حتی ازین ناحیه هم منزوی ساختن قلعه با جهان بیرونی را سنجیده اند. پس تمام مراتب طوری سنجیده شده است، تا قلعه در انزوای کامل با جهان خارج و غیر مرتبط با بیرون بماند و احد من الناس هم نداند که درین قلعه چه میگذرد. این قلعه و آرگاه و بارگاهش را دو برادر پاکستانی به سرمایۀ یک ملیون دالر اعمار کرده اند و کس نداند که از کدام پول.

گفتند که قوای خاص اتازونی از مدتها به تعقیب پیکهائی بودند که به آن قلعه رفت و آمد داشتند. سرانجام وقتی محقق گشت که اسامه بن لادن در همین قلعه بسر میبرد، "بن اوباما" فرمان حمله را صادر میکند. همان است که چار هلیکوپتر عسکری امریکائی که اصلاً از افغانستان آمده بودند، با عملۀ خاصی از قوای بحری امریکائی از یک مرکز نظامی پاکستانی برمیخیزند و بر قلعه حمله ور میگردند. بر اثر این حمله اسامه بن لادن، یک پسرش و یک نفر دیگر که زن است - و به گفته ای سه نفر دیگر - کشته میشوند. بن لادن بعد ازین که خود در جنگ اشتراک داشته است، بر اثر فیر بر کوی سرش کشته میشود. کله بن لادن را هم نشان میدهند، با چشمان از حدقه برآمده و زخمی. گفتند که قوای بحری فوراً به بررسی حاملان وراثت؛ یعنی "دی ان ای" بن لادن پرداختند و محقق شد که "بن لادن" واقعاً "بن لادن" بوده است. باز گفتند: بعد ازین که هیچ مملکتی حاضر به قبولی جسد بن لادن نشد، تصمیم گرفته شد که لاشش را در جائی نامعلوم دفن کنند. سپس اعلان کردند که نظر به شریعت اسلامی باید جسد یک مسلمان در ظرف ۲۴ ساعت بعد از غسل دادن و تکفین اسلامی دفن گردد. همان است که جسد او را بدون اینکه افتو و ماتو رویش را دیده باشد، در بستر بحر دفن میکنند، یعنی در جائی که هیچ کس در صدد پیدا کردن عظام رمیمش برنیاید و جهان "بی خبر از دنیا" قبول کند که اسامه بن لادن - دشمن نمره اول اتازونی - ضمن عملیات قطعۀ خاص امریکائی به فرمان شخص "بن اوباما" به دارالبقاء فرستاده شده است. فرستاده شده است تا بیخ دوزخیان را کنده، همه را به تبعیدگاه بهشت بفرستد. و خدا داند که پاسبان بهشت درخواست پناهندگی ایشان را قبول کند یا اینکه مانند سپاه پاسداران - دوزخیان رژیم کربلائی ایران - همه را "رد مرز" فرماید.

وقتی خبر کشته شدن اسامه بن لادن و پسرش را در تلویزیونهای المان میشنیدیم و هر کس می آمد و به شیرین زبانی و شکرشانی میپرداخت، میدانستم که همه دروغ میگویند و فکر کنم که خود هم میدانستند که دروغ

میگویند، مگر مجبورند که دروغ بگویند. فکر کردم که سراسر کره زمین مملو گشته است از دروغگویان کذاب و هیچ کس حاضر نیست که حقیقت را بر زبان آرد؛ نه سیاستمداران، نه خبرگزاریها، نه مبصران اخبار و رادیوها و تلویزیونها و نه هزاران جوان خون گرم و ساده لوح و لوده ای که در پیش روی قصر سفید رسیدند و بر شهکاری "بن اوباما" آفرین فرستادند.



تصویری را که تلویزیون پاکستان نشر کرده است

چه دنیای پر اسرار و غوامض است، جهان ما!!!!

همان قسمی که اسرار واقعه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ در "تاریکخانه تاریخ" دفن گردیده است، مثلی که سر و مانجه قتل "بن لادن" هم در همان "تاریکخانه" مدفون نگه داشته خواهد شد. شاید در زمانی که اتازونی دیگر یکه تاز عالم و کوتوال روی زمین نباشد، حقایق به میان آید؛ هم در مورد "نابین الون" هم در مورد قتل "اسامه بن لادن" و شاید در مورد بسا کارهای ناروایی که در طول سالها از دست اتازونی سر میزند!!!!!!

وقتی آدم اخبار و گزارشهای مربوط به قتل اسامه بن لادن را می شنود، آنقدر خلاء و نقاط ضعف و ضد نقیض و سؤال برانگیز در آنها می یابد، که به مشکل میتواند بر گفته های اتازونی و رئیس جمهورش و ... صحنه بگزارد. از جمله صدها سؤال لاینحل فقط به چند تایش بسنده میکنم:

- چرا بن لادن را زنده نگرفتند و بمانند "طاغوت زمان" "صدام حسین" محاکمه نکردند؟؟؟

- چرا جسد بن لادن را هیچ کس ندید؛ بااستثنای دروغگویان؟؟؟

- چرا بن لادن را فوراً دفن کردند، آن هم در بستر ابحار که احوالش را فقط ماهیان شارک دانند؟؟؟

- چرا اسامه بن لادن را در مدت بیش از ده سال نکشتند، که حالا این کار را کردند؛ و آن هم بعد ازین که زمینه چینیهای قبلی ریخته شده بود. مثلاً :

- دو ماه پیش ویدئویی را از بن لادن نشان دادند، مبنی بر این که گویا وی خود اقرار کرده است که حادثه یازدهم سپتمبر به فرمان و تحت رهبری شخص خودش براه انداخته شده است؟؟؟ گویا واقعه کاملاً مشکوک "ناین الون" را از زبان کسی که دیگر اصلاً وجود خارجی نداشته است، بر وی محقق ساختند!!!!

- چرا مرگ بن لادن را در زمانی اعلان میکنند، که مطمئن شده اند که میتوانند پیمان ستراتیژیک و بالوسلیه "اجازه قانونی" احداث لشکرگاههای خود را بر دولت مستعمره کرزی بقبولانند؛ پیمانی که "اشغال دائمی" افغانستان را قانوناً تسجیل میکند. چون "ناین الون" و انهماک "بن لادن" در آن، همه بهانه هائی بوده اند، تا بر افغانستان تسلط یابند!!!!!!!

معلوم میشود که در داستان دنباله دار اسامه بن لادن همه چیز باید در پرده ابهام پچانیده شود و هیچ فرد جهان به استثنای "سی آی ای" و "اف بی آی" و دیگر دستگاههای استخباراتی دروغبافی اتازونی و پنهانخانه های سیاسی جهان غرب، از آن چیزی نداند!!!!!!!
وقتی آدم خبر قتل بن لادن را از زبان "بن اوباما" میشوند، به مُحابا همان مثل کابلی تداعی میگردد که :

(پیش همه پنج، پیش صاحب پنج هم پنج!!!)

گپها بسیار زیاد است و گفتن حتی یک صدم همه هم آدم را منگ خواهد ساخت و بیائید که از تفسیر و تفصیل بسیار بگذریم. فقط یک گپک آخر:
خواننده عزیز حتماً فی خواهد گرفت که چرا "ماروفی صایب" "طنز اول اپریل" را حالا که دوم ماه می است - یعنی دقیقاً با تأخیر یک ماه و یک روز، نشر میکند؟؟؟

در جواب میگویم:

وقتی "اضلاع متحده امریکا" و به اصطلاح شیرین فرانسوی "اتازونی" خبر مرگ اسامه بن لادن را که ده سال پیش ضمن بمباردمان کوهستان توره بوره صورت گرفته بود، حالا و با تأخیر ده سال تخت؛ یعنی بعد از گذر ۳۶۵۰ روز نشر میکند، دگر ما از دیگران چه کمی داریم؟؟؟

اگر خواننده ارجمند جرم اتازونی را نادیده گرفت، یقیناً که بر من مسکین نیز سخت نخواهد گرفت!!!!

تذکر:

خواننده گرانقدر حتماً متوجه گردیده است که درین نوشته طنزی، تعدادی از کلمات و اصطلاحات در هیئت گفتاری کابلی آورده شده است.